

بررسی جایگاه رمان در شناخت گفتمان سیاسی در ایران پس از انقلاب مطالعه موردی ۸۴-

۱۳۷۶

حسین مسعودنیا^۱ و عاطفه فروغی^۲

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

hmass2005@yahoo.com

کارشناس ارشد علوم سیاسی

atefeh.for1366@yahoo.com

چکیده

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون در ایران گفتمان‌های متفاوتی حاکم بوده است. یکی از این گفتمان‌ها، گفتمان اصلاح طلبی بود که طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۶ در فضای سیاسی ایران مطرح شد. دل‌های اصلی این گفتمان را مفاهیمی چون توسعه سیاسی، آزادی، جامعه مدنی و مردم‌سالاری تشکیل می‌داد. این گفتمان در واقع پاسخ به تحولات جمعیتی و فکری ایجاد شده در جامعه ایران پس از پایان جنگ و سال‌های دهه دوم حیات جمهوری اسلامی ایران بود. لذا از آنجا که به گفته فوکو میان قدرت سیاسی و دانش سیاسی رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد، بدیهی به نظر می‌رسد که ادبیات سیاسی هر مقطع زمانی به طور عام و نوع ادبی رمان به طور خاص یا بازتابی از گفتمان سیاسی حاکم باشد و یا در تضاد با آن قرار بگیرد. هدف از انجام این پژوهش، تبیین بازتاب مؤلفه‌های گفتمان اصلاح طلبی در رمان‌های سیاسی نوشته شده در ایران طی سال‌های ۸۴-۱۳۶۷ است. ضمن آنکه برای تسهیل در امر پژوهش نظریه لوسین گلدمن در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان چارچوب نظری و پنج رمان دریافت کننده جایزه ادبی یلدا به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. نتایج پژوهش بیانگر بازتاب تحولات ارزشی و فکری طبقه متوسط جدید، بویژه دانشجویان و زنان، در رمان‌های این مقطع است.

واژه‌های کلیدی: گفتمان، گفتمان اصلاحات، لوسین گلدمن، جامعه‌شناسی ادبیات، رمان.

مقدمه

بررسی رابطه رمان سیاسی و گفتمان سیاسی یک دوره، از مباحث جامعه‌شناسی ادبیات است. ادبیات به آثاری اطلاق می‌شود که بر مبنای ابداع و تخیل شکل گرفته‌اند. این ابداع و تخیل در زمینه‌ای اجتماعی و معین صورت می‌گیرد. آنچه برخورد ما با ادبیات را تعیین می‌کند، تصور ما از کارکرد آن است. عده زیادی به پیروی از کانت، افتخار هنر را در غیر کاربردی بودن آن می‌دانند، ولی امروزه کمتر کسی کارکرد هنر را تنها لذت بخشی آن می‌داند.

نظری که امروز مقبول است، پیوند دو وجه لذت بخشی و سودمندی اثر ادبی است و جنبه سودمندی همان جنبه‌ای است که ادبیات را به سیاست مربوط می‌کند. سودمندی در اینجا کمک به شناخت بیشتر است و این امر را تایید می‌کند که انسان به عنوان موجودی اجتماعی، خواه ناخواه، وارد مناسباتی در جامعه می‌شود که مناسبات قدرت نام دارند و سیاست نیز بخشی از این مناسبات قدرت است. البته، بنا به ماهیت تخیلی ادبیات، نمی‌توان انتظار داشت که ادبیات ما را به طور مستقیم به دانش سیاسی برساند، زیرا دانش سیاسی بر مبنای استدلال عمل می‌کند، اما ادبیات در وهله اول با عواطف انسانی سرو کار دارد. پس باید ادبیات و سیاست را مکمل یکدیگر بدانیم و هیچ کدام ابزار دیگری فرض نشود.

سیاست ادبیات را به عنوان ابزاری می‌بیند که به کمک آن گفتمان سیاسی و یا ایدئولوژی سیاسی خود را به اثبات می‌رساند. این ایدئولوژی سیاسی بنا بر مواضع سیاست‌گزاران می‌تواند در جهت تایید گفتمان غالب یا مناسبت‌های قدرت حاکم بر جامعه باشد و یا بر عکس، بنا بر موضع مخالفان قدرت حاکم، آثاری

هستند که به طور مستقیم به سیاست می‌پردازند و قالب ادبی برای آنها وسیله‌ای برای ابراز عقاید سیاست‌گزاران است. در این حالت کارکرد ادبیات، کارکرد آموزش‌دهندگی در جهت توجیه ایدئولوژی‌های سیاسی حاکم است. بعضی آثار ادبی هم به طور غیر مستقیم مناسبات قدرت و آرای سیاسی موجود را بازتاب می‌دهند که پایان خوش یا ناامید کننده آنها می‌تواند معنای سیاسی خاصی داشته باشد و غایت‌مندی اجتماعی را نشان دهد. فعال یا منفعل بودن شخصیت‌ها در مسائل سیاسی و اجتماعی هم می‌تواند باور به امکان ایجاد تغییر در وضع موجود یا حفظ اوضاع موجود را نشان دهد.

در این پژوهش، از چارچوب نظری لوسین گلدمن استفاده می‌شود. در این رهیافت به بررسی شرایط و فرایندهای اجتماعی وابسته به خلق ادبیات پرداخته می‌شود و متن ادبی به منزله ابزاری جامعه‌شناختی معرفی می‌شود. ساختار در ذات خود متضمن نوعی رابطه بین واقعیت‌های اجتماعی و ادبی است. متن به خودی خود منبعی جامعه‌شناختی است که منجر به فهم ارتباطات بین فرهنگ آفرینش ادبی و جهان اجتماعی منجر می‌شود. نویسندگان نیز ناظر و منتقدی است که خود را در تضاد با ساختارهای هنجاری پذیرفته شده و معمول احساس می‌کند و به جنگ با آنها می‌پردازد. تعلق فرد به گروه اجتماعی بازتاب‌هایی بر اندیشه و احساس و رفتار او دارد که بقای ساختار را تضمین می‌کند. روش گلدمن درک و توصیف ساختار معنادار است. ساختار معنادار یعنی جهان اثر ادبی که برای پاسخگویی به یک موقعیت خاص آفریده شده است. با توجه به توضیحات بالا محور اصلی پژوهش

شناختی است. بینش جامعه شناختی کمک می کند تا به نحو بهتری آثار هنری و فرهنگی را بشناسیم، تفسیر کمی و کاربردی از آنها به دست آوریم و به بهترین وجه از این آثار برای حل مسائل و بحران‌های انسان امروزی استفاده کنیم. تلاش برای کشف ساختار درونی آثار ادبی و تطبیق آن با ساختار جامعه بیرون و نیز بررسی میزان و نحوه تعامل متن ادبی با جامعه و چگونگی تاثیرپذیری و تاثیرگذاری‌های این دو در ذیل مطالعات مربوط به جامعه شناسی ادبیات جای می‌گیرد (غلام، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

جامعه شناسی ادبیات با پذیرش این فرض آغاز می شود که یک اثر ادبی فرآورده یا تولید اجتماعی است، در حالی که در رهیافت‌های سنتی ادبیات پدیده ای رمانتیک، رازآمیز و آفریده سرآمدها و نخبگان است و اساساً هنر و ادبیات را پدیده ای برتر از هستی، جامعه و زمان می‌شمارند، جامعه شناسی ادبیات تلاش می کند تا بسیاری از عناصر غیرزیبایی شناختی را که در شکل و محتوای آثار ادبی سهیم هستند، نشان دهد و به ویژه بر سهم عوامل اجتماعی و چگونگی و نوع محتوا یا شکل آثار ادبی تاکید دارد (فاضلی، ۱۳۷۴: ۱۱۰ - ۱۱۱).

برخی اصطلاح «ادبیات»^۲ را از حیث ماهیت به طور عام به تمامی آثار چاپی اطلاق می کنند و عده ای دیگر این اصطلاح را برای کلیه آثار مکتوبی که دارای اسلوب زیبا هستند، به کار می گیرند. کسانی نیز هستند که ادبیات را از دریچه مفهوم و محتوا و کارکرد آن می‌نگرند و آن را چنین توصیف می‌کنند: «ادبیات فعالیتی است که به وسیله انسان‌ها و برای انسان‌ها صورت می‌گیرد تا جهان را بر آنها آشکار کند و این

حاضر را این سؤال تشکیل می دهد که گفتمان سیاسی اصلاحات در ایران در پاسخ به چه تحولات ساختاری و ارزشی مطرح شد و مؤلفه های اصلی این گفتمان در رمان های سیاسی این مقطع، ۸۴-۱۳۷۶، چه بازتابی داشت.

هدف از انجام پژوهش حاضر پاسخ به سوال مطرح شده به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای است؛ ضمن آنکه برای تسهیل در امر پژوهش، پنج رمان ذیل که برنده جایزه ادبی یلدا هستند، به عنوان مبنای پژوهش انتخاب گردیدند.

چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، نوشته زویا پیرزاد، برنده جایزه سال ۱۳۸۰.

ویران می‌آیی، نوشته حسین سنابور، نامزد بهترین رمان سال ۱۳۸۱.

نیمه غایب، نوشته حسین سنابور، برنده جایزه سال ۱۳۸۱.

پرنده من نوشته، فریبا وفی، برنده جایزه سال ۱۳۸۲.

شاه کلید، نوشته جعفر مدرس صادقی، برنده جایزه سال، ۱۳۸۱ به طور مشترک.

جامعه شناسی ادبیات^۱

یکی از ویژگی‌های فرهنگی قرن بیستم رشد علوم اجتماعی و توسعه بینش جامعه شناختی است. نفوذ بینش جامعه شناختی در زمینه های مختلف زندگی انسان و شکل گیری شاخه های مختلف و متعدد در زمینه علوم اجتماعی نشان دهنده آن است که انسان در صدد تبیین و تفسیر تمامی ابعاد زندگی و دستاوردهای مختلف خود به کمک بینش جامعه

میخائیل باختین^۶ (۱۸۹۵ - ۱۹۷۵) گره خورده است. یکی از مهمترین انواع ادبی مورد توجه جامعه شناسان ادبیات «رمان»^۷ است. در فرهنگ آکسفورد رمان چنین تعریف شده است: «نثر روایتی داستانی که نسبتاً طولانی است و در آن شخصیت‌ها و اعمال که نماینده زندگی واقعی اند، با طرحی کمابیش پیچیده تصویر شده اند.» (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۴۰۲) جورج لوکاچ نیز رمان را با توجه به محتوای آن «حماسه دوران‌های بی‌خدا» می‌خواند. از منظر جامعه‌شناسی رمان، رمان فرم ادبی جامعه بورژوازی است و فرد متوسط جامعه در آن نقش دارد. رمان از لحاظ تاریخی با دو اصل تجدد؛ یعنی عرفی شدن عرصه‌های تفکر و هنر و سیاست از یک سو و فردگرایی از سوی دیگر، رابطه‌ای ناگسستنی دارد. عرصه فراخ رمان به فراخی ذهن و زبان آدمی است (میلانی، ۱۳۷۷: ۸۴۷). بسیاری از جامعه‌شناسان ادبیات و منتقدان ادبی، با علم به اینکه آثار فرهنگی در بستر اجتماعی تولید می‌شوند، مدعی اند که رمان‌ها را می‌توان داده‌های جامعه‌شناختی محسوب کرد و به منزله شاخصی برای روابط و نگرش‌های اجتماعی غالب به کار برد. این دیدگاه همواره در تعارض با این موضوع بوده است که رمان‌ها اساساً باید بیان «ادبی» یا «زیباشناختی» قلمداد شوند، نه متون بازمانگر^۸ (والت، ۱۳۸۲: ۱۸۱)

یکی از افراد تاثیرگذار در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات، لوسین گلدمن، فیلسوف و نظریه پرداز مجارستانی و از شاگردان جورج لوکاچ، است. به نظر او آنچه در اساس جامعه‌شناسی ادبیات به گسترده

آشکار کردن، خود به منزله عمل است. یکی از قدیمترین روش‌های مطالعه در ادبیات، بررسی آن از دیدگاه علوم ادبی بوده است. در این نوع مطالعه، آنچه در درجه اول حایز اهمیت است، ادبیت کلام است؛ یعنی اینکه صورخیال و ابزارهای بیان هنری در اثر ادبی به کار رفته است یا نه و اگر به کار رفته است، تا چه حد در القای حس زیبایی و تاثیر عاطفی در مخاطب مؤثر واقع شده است. این نوع مطالعه ادبیات، بررسی درونی ادبیات نامیده می‌شود. شیوه دیگر مطالعه و بررسی بیرونی ادبیات است. در این شیوه به کمک علمی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی علوم طبیعی، به بررسی ارتباط ادبیات و جامعه یا روان‌شناسی آفرینندگان و خوانندگان می‌پردازند (عسگری، ۱۳۸۷: ۵۵).

«جامعه‌شناسی ادبیات»^۱ یکی از شیوه‌های بیرونی مطالعه ادبیات است و شاخه‌ای از علوم اجتماعی است. این شاخه علمی نوپا، مدت‌ها چندین مدیدی است که تولد یافته و به کندی ریشه کرده است. شاید دلیل این رشد کند و آرام این باشد که جامعه‌شناسی در این شاخه، از عینیت‌ها و مادیت‌ها فاصله می‌گیرد و به دنیای ذهنیت‌ها و آفرینش‌ها وارد می‌شود و از بیرون به درون و از عقل به احساس می‌پردازد. (غلام، ۱۳۸۳: ۱۳۵). امروزه این رشته در جهان با نام بزرگانی، چون: جورج لوکاچ^۲ (۱۸۸۵ - ۱۹۷۱)، لوسین گلدمن^۳ (۱۹۳۱ - ۱۹۷۰)، تئودور آدورنو^۴ (۱۹۰۳ - ۱۹۶۹)، اریش کوهلر^۵ (۱۹۲۴ - ۱۹۸۱) و

1 - Sociology Of Literature
2- George Lukacs
3- Lucien Goldmann
4 - Teodor Adorno
5 - Erich Köhler

6 - Mikhail Bakhtin
7 - Novel
8 - Representational

با تلقی آثار ادبی به مثابه بازتاب‌های یک نظام به تدریج فعلیت یابنده به سمت اندیشه هگلی مارکسیستی متمایل شد و تلاش کرد معنای رئالیسم را در هنر نشان دهد. از دید لوکاچ یک اثر هنری واقعگرا باید انگاره‌های تناقضات پنهان در یک نظام اجتماعی را آشکار سازد. از نظر او رمان بازتاب واقعیت است. بازتابانند در واقع قالب بندی کردن ساختاری ذهنی است که به لباس کلمات درآمده است (فاضلی، ۱۳۷۴: ۱۱۳).

روشی که گلدمن در جامعه شناسی ادبیات پایه گذاشت، چارچوب مفهومی «ساختارگرایی تکوینی»^۳ یا «ساختارگرایی تاریخی»^۴ نام دارد. فرضیه بنیادین ساختارگرایی تکوینی این است که هر رفتار انسانی کوششی است برای پاسخ دادن با معنی به وضعیتی معین. واژه ساختارگرایی از سال ۱۹۵۸ با مردم شناسی ساختاری لویی اشتراوس^۵ باب روز شد. ساختارگرایی ساختارگرایی نظامی فلسفی نیست، بلکه یک شیوه درک و توضیح است. نقد ساختاری شعبه‌های گوناگونی دارد. اگر به ارزش سیاسی - اجتماعی واژه ها بپردازد، ساختارگرایی معناشناختی است. اگر روابط ساختار اثر را با رویدادهای فردی و ساختار روانی نویسنده بسنجد، ساختارگرایی روان‌شناسی خواننده می‌شود و اگر به هم ارزی مسائل اجتماعی - اقتصادی با ساختار اثر توجه کند، ساختارگرایی تکوینی نام می‌گیرد (گلدمن، ۱۳۶۹: ۹).

ساختار در ذات خود دربردارنده نوعی رابطه بین واقعیت‌های اجتماعی و ادبی است. گلدمن تاکید می‌کند که این امر رابطه ای بین محتوای واقعیت‌های

ترین معنا را از همه دیگر شکل‌های نقد ادبی جدا می‌کند، این حکم نظری است که در آفرینش هنری، یک فرد به تنهایی مورد نظر نیست، بلکه اثر بیانگر نوعی آگاهی جمعی است که هنرمند با شدتی بیش از اکثر افراد در تدوین آن شرکت می‌ورزد.

گلدمن در حوزه جامعه شناسی آفرینش ادبی دو نظریه متفاوت را از هم جدا می‌کند: دیدگاه سنتی که مربوط به افرادی مثل مادام دوواستال^۱ و ایپولیت تن^۲ می‌شود و دیدگاه جدید که با کتاب‌های جورج لوکاچ آغاز شده است (گلدمن، ۱۳۷۷: ۶۴ - ۶۷).

مادام دوواستال در بحث‌های مربوط به جامعه شناسی ادبیات پیشرو محسوب می‌شود. او در سال ۱۸۰۰ کتابی با عنوان ادبیات از منظر پیوندهایش با نهادهای اجتماعی منتشر کرد و تلاش نمود تا تاثیر دین و آداب و قوانین را بر ادبیات و تاثیر ادبیات را بر دین و آداب و قوانین نشان دهد. ایپولیت تن (۱۸۲۸ - ۱۸۹۳) این نظریه را مطرح کرد که پدیده‌های اجتماعی که ادبیات هم از نظر او قطعاً پدیده‌ای اجتماعی است، تحت تاثیر سه عامل نژاد، محیط و زمان به وجود می‌آیند و تداوم یا زوال آنها نیز با توجه به تغییراتی است که در این عوامل رخ می‌دهد. از نظر او، ادبیات بازتاب آداب و رفتار و خلیقات عصر نویسنده است. آثار ادبی نتیجه تعامل سه دسته عوامل اند: زیستی، فرهنگی و تاریخی. عوامل زیستی در نژاد، فرهنگی در محیط و تاریخی در زمان بروز می‌کنند (عسگری، ۱۳۸۷: ۵۷).

آغاز نظریات جدید در آرای جورج لوکاچ، فیلسوف و منتقد ادبی برجسته مارکسیسم نهفته بود. او

بی آنکه خود از مکانیسم کار خود آگاه باشد، گزارشگر راستین این یا آن میانه اجتماعی است. او می‌تواند با تخیل خود داستان اثر خود را بیافریند، ولی هرگز نخواهد توانست ارزش‌های و قانون‌هایی را که بر زندگی قهرمانان داستان خود فرمانروا هستند، اختراع کند (گلدمن، ۱۳۷۱: ۳۵۷).

به نظر گلدمن، هر اثر برجسته دارای چهار مشخصه روشن است که هر منتقدی باید به آن توجه کند:

۱- منش دقیقاً منسجم آن که هم ارز مسائل اجتماعی زمانه است.

۲- غنای آن که به «حداکثر آگاهی» ممکن نویسنده مربوط می‌شود.

۳- منش واقعی یا ممکن مجموعه‌ای از عناصری که اثر را تشکیل می‌دهد. پس اگر دنیای نویسنده شبیه واقعیت زمانه او نیست آرزوی گروه او را وصف می‌کند.

۴- منش غیر فلسفی اثر، چون هر اثر ارجمند راه‌های عملی نشان می‌دهد و این راه‌ها به صورت مفاهیم فلسفی بیان نمی‌شود (فاضلی، ۱۳۷۴: ۱۱۹-۱۲۰).

گلدمن درباره محدودیت‌های روش خود نیز واقع بین بوده است. به عقیده او، این روش به بررسی همه جانبه آثار نمی‌پردازد ولی تبیین جامعه‌شناختی یک گام اولیه ضروری به حساب می‌آید. مساله اساسی بازیافتن مسیری است که در طی آن واقعیت تاریخی و اجتماعی از طریق احساس فردی آفریننده، در اثر ادبی مورد بررسی بیان شده است. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های شناخت مسیر تاثیرگذار بر هر نویسنده ادبی از منظر جامعه‌شناسی ادبیات، گفتمان سیاسی در

اجتماعی و محتوای واقعیت‌های ادبی نیست، بلکه رابطه‌ای بین ساختار ذهنی این دو دسته از واقعیت‌هاست. مقولاتی که هم زمان هم آگاهی تجربی یک گروه اجتماعی را سازمان می‌دهند و هم دنیای تخیلی خلق شده به دست نویسنده را. با این دیدگاه، متن به خودی خود منبعی جامعه‌شناختی است که مشخصاً به فهم ارتباطات بین فرهنگ خلق ادبی و جهان اجتماعی از طریق روابط ارزشی می‌انجامد. نویسنده از این منظر، منتقدی است که خود را در تضاد با ساختارهای هنجاری پذیرفته شده و معمول احساس می‌کند و کمر به جنگ با آنها می‌بندد (طلوعی، ۱۳۸۶: ۵). مفهوم اساسی در ساختارگرایی تکوینی گلدمن «جهان بینی» است. به نظر او هر اثر برجسته ادبی دربرگیرنده جهان بینی گروه است و نویسنده کارگزار این جهان بینی است. جهان بینی مجموعه آرزوها، احساس‌ها و اندیشه‌هایی است که اعضای گروه یا بیشتر افراد طبقه‌ای را در بر می‌گیرد. یکپارچگی هر اثر بستگی به این جهان بینی دارد. چون نویسنده کسی است که می‌تواند با حداکثر آگاهی ممکن خود از خواست‌ها و اندیشه‌های گروهی که در آن زندگی می‌کند، به جهان بینی خود انسجام بخشد. بنابراین، بین کلیت یک اثر و کلیت اوضاع اجتماعی دوره‌ای که اثر در آن تکوین یافته است، هم ارزی کامل وجود دارد (گلدمن، ۱۳۶۹: ۱۱).

از این دیدگاه رمان یک میدان به تمام معنا دیالکتیکی است. نویسنده در واقع آنچه را آرزو می‌کند در جهان راستین پدید آید، بیان می‌کند. به این ترتیب، گزارش او جهان‌بینی و اندیشه‌شناسی این یا آن لایه، طبقه یا گروه اجتماعی است. از همین رو، اثر نویسنده به این یا آن مقوله اجتماعی وابسته می‌شود. نویسنده

همان مقطع تاریخی است؛ موضوعی که تبیین مفهوم و مولفه های آن در ایران طی سال های ۸۴-۱۳۷۶ قسمت بعدی پژوهش حاضر را تشکیل می دهد.

گفتمان و گفتمان سیاسی

اصطلاح گفتمان در زبان فارسی معمولاً معادل کلمه « Discourse » در نظر گرفته شده است. این واژه در زبان فارسی به صورت های مختلف ترجمه شده است که متداولترین آنها نطق، خطابه، سخن، گفتار و گفتمان است. البته، هر کدام از این واژه ها معانی خاص خود را دارد. در این پژوهش گفتمان معادل کلمه Discourse در نظر گرفته شده است.

از لحاظ لغوی واژه Discourse از ریشه لاتین Discurrere گرفته شده است و به معنای «به هر سو دویدن» است. Dis به معنی در جهات مختلف و Currere به معنی دویدن و سریع حرکت کردن است (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۴۸۰). بر اساس مندرجات لغتنامه و بستر واژه Discourse برای اولین بار در قرن چهاردهم در کتب ثبت شده است. در گذشته این واژه به معنای توانایی فرد در ارائه فکری منسجم و منظم بود که بعداً به تبادل نظر از راه کلام اشاره داشت. معنای جدید آن ناظر به بیان منظم، منسجم و مطول از یک فرد در موضوعی خاص است (Webster, 1993:331). امروزه واژه گفتمان، رابطه تنگاتنگی با اندیشمندان و نظریه پردازان پسامدرن، بویژه، میشل فوکو، دارد. منظور فوکو از گفتمان، نظم نمادینی است که به افراد قلمرو خود امکان تعامل و صمیمیت با یکدیگر را می دهد. کانون و بنیان این نظم گزاره یا حکم است. ماهیت هر گفتمان به گونه ای است که باعث بیان برخی گزاره ها می گردد و از بیان گزاره های دیگر جلوگیری می کند.

«منظور از گفتمان مجموعه ای از گزاره هاست که زبان خاصی را برای صحبت درباره موضوعی خاص پدید می آورد؛ یعنی طریقه ای است برای نهادن یک چیز، یک نوع خاص از دانش در مورد موضوعی خاص. وقتی گزاره هایی که در یک موضوع هستند، در یک گفتمان معین بیان می شوند. این گفتمان این امکان را برای ما فراهم می کند تا موضوع را به شیوه ای خاص بازسازی کنیم. گفتمان شامل گزاره هایی است که با یکدیگر تعامل دارند... گزاره هایی که یک گفتمان را می سازند، کنار هم چفت می شوند، چون هر یک از آنها تلویحاً اشاره به رابطه هریک با دیگران دارد... آنها از یک استراتژی، یک الگو یا روند نهادینه سیاسی مشترک حمایت می کنند...» (کدیور، ۱۳۷۸: ۲۴). از منظر فوکو تحلیل گفتمان بر سه اصل استوار است:

۱- هر گفتمان از درون شرایط خاص و نهادهای معین برمی خیزد و تنها در آن شرایط خاص معنا می یابد.

۲- گفتمان یک سیستم بسته نیست، بلکه با عناصر گفتمان دیگر در تعامل است، به آنها معنا می دهد و از آنها تاثیر می پذیرد و حتی در درون خود امکان ظهور گفتمان های مخالف را پدید می آورد.

۳- گزاره هایی که در داخل یک صورتبندی گفتمانی قرار می گیرند، ضرورتاً نباید یک شکل باشند (کدیور، ۱۳۷۸: ۳۳). علاوه بر این، فوکو بر این نکته تاکید می کند که ماهیت حکم و گزاره نسبی است و بر حسب استفاده و شیوه به کارگیری آن باید تعریف شود (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۱۲). بدین ترتیب، بنیاد روش تحلیل گفتمانی دو عنصر زبان و زمان است (مک دانل، ۱۳۷۷: ۳۰). به عبارت دیگر، برای شناخت هر گزاره باید زمان بیان و زبان آن را

و نوسازی به شیوه مدرنیسم غربی، قانون‌گرایی و مردم‌گرایی بود و خود در طی زمان ترکیبات بیشتری پیدا کرد. در این گفتمان بر اقتدارگرایی، اصلاحات از بالا، عقلانیت مدرنیستی، ناسیونالیسم ایرانی، مرکزیت سیاسی، مدرنیسم فرهنگی، سکولاریسم و توسعه صنعتی تاکید می‌شد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۸).

البته، با توجه به اینکه از دل هر گفتمان، گفتمان مخالف عرض اندام می‌کند که حداقل سودای اصلاحگری و حداکثر سودای انقلاب و سرنگونی نظام سیاسی حاکم را دارد، در ایران معاصر نیز در تقابل با گفتمان‌های پاترمونیالیستی و مدرنیسم مطلقه پهلوی ۱۹، گفتمان دموکراتیک و اصلاح‌گرایانه‌ای از زمان جنبش مشروطیت در ایران تکوین یافت که بر مفاهیمی، چون: قانون، محدودیت استبداد، آزادی‌های مدنی و اصلاحات تاکید داشت. پایگاه اجتماعی این گفتمان در میان طبقه متوسط شهری قرار داشت و در برخی مقاطع مانند زمان مشروطیت و سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، بویژه در دوران نخست‌وزیری محمد مصدق توانست بخشی از قدرت سیاسی را به دست بگیرد.

تلاش گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی برای هژمونیک کردن خود در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سبب تکوین و عرض اندام گفتمان‌های مخالفی گردید که از مهمترین آنها گفتمان دینی، گفتمان دموکراتیک و اصلاح‌گرایانه میراث مشروطیت و گفتمان چپ بود. ویژگی منحصر به فرد ساخت قدرت در ایران، یعنی عدم پایگاه طبقاتی دولت (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۴۱-۵۲) سبب گردید تا برای تقابل با گفتمان حاکم، با گفتمان‌های مخالف ائتلاف کرده، درصدد مقابله با گفتمان حاکم برآیند. البته،

شناخت، زیرا هر گزاره و واژه در شرایط خاص، با منظور معین و در قالب زبان مخصوص به خود بیان شده است که همان واژه در زمان دیگر و به زبان دیگری ممکن است معنای متفاوتی داشته باشد. با توجه به چنین روشی است که فوکو در دیوانگی و تمدن، گفتمان روانپزشکانه را می‌شکافد و نشان می‌دهد که چگونه مفهوم دیوانگی از رفتار نامتعارف در قرون وسطی به رفتاری شرم‌آور در قرن شانزدهم و سرانجام به رفتاری تحمل‌ناکردنی در قرن هجدهم تغییر یافت (بروجردی، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۰).

گفتمان یک بستر نظری و مفهومی برای تحلیل پدیده‌هاست که در حوزه‌های مختلف ادبی، روان‌شناختی، اجتماعی، هنری و سیاسی می‌تواند استفاده شود. در حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، گفتمان سیاسی از جمله مفاهیم رایج و متداول است. منظور از گفتمان سیاسی در یک مقطع زمانی، آن دسته از اصول و قواعد سیاسی است که شکلی خاص از زندگی و کردارهای سیاسی را ممکن، خودفهمی‌های فردی را به شکل ویژه‌ای تعریف و برخی امکانات سیاسی را محقق و برخی دیگر را حذف می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۳). یکی از گفتمان‌های سیاسی غالب در ایران طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۶، گفتمان اصلاحات بود که در قسمت بعدی پژوهش تبیین می‌گردد.

گفتمان اصلاحات و مولفه‌های آن

مهمترین گفتمان سیاسی مسلط در ایران قرن بیستم، گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی بود. این گفتمان مجموعه پیچیده‌ای از نظریات مختلف، از جمله نظریه شاهی ایرانی، پاترمونیالیسم سنتی، گفتمان توسعه

به پایان جنگ تحمیلی، رحلت امام(ره)، بازنگری در قانون اساسی، ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و آغاز برنامه بازسازی همراه با نخستین برنامه توسعه (۷۲-۱۳۶۸) اشاره کرد. وقوع این تحولات به تدریج سبب وقوع برخی دگرگونی ها در حوزه ارزشی و ساختاری در جامعه ایران گردید. از میان عوامل نامبرده، نوسازی اقتصادی ایران پس از جنگ همراه با تغییرات جمعیتی مهمترین عامل تحول در جامعه ایران در طول دهه دوم حیات جمهوری اسلامی ایران است.

با قبول قطعنامه ۵۰۸ از سوی ایران، رحلت امام (ره) و آغاز دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، دوران جدیدی در تاریخ انقلاب آغاز شد. ویرانی های باقی مانده از دوران جنگ و لزوم بازسازی آنها، واگذاری مسؤلیت اجرایی اولین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران پس از انقلاب به نخستین دولت بعد از جنگ همراه با تفکرات رئیس جمهور وقت سبب شد تا برنامه های اقتصادی در اولویت قرار گیرند. مشخصه ای که در دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی، ۷۶-۱۳۶۸، حفظ شد. شاید به همین منظور نامبرده در هنگام معرفی نخستین کابینه خود برای آن عنوان «کابینه کاری» را انتخاب کرد.

در اولویت قرار گرفتن برنامه های اقتصادی همراه با حجم عظیمی از سرمایه گذاری، دریافت وام های کلان خارجی و تزریق آنها به جامعه بعد از جنگ، تلاش برای کم کردن فاصله روستاها از شهرها، ایجاد دگرگونی در الگوی مصرف و تغییر فضای فرهنگی جامعه از نظر کمی و کیفی در نهایت سبب ایجاد موجی از تحولات در لایه های اجتماعی شد. مهمترین پیامد این دگرگونی، پیدایش یک قشر

توضیح این نکته ضروری است که در این ائتلاف گفتمان مذهبی بر دو گفتمان ملی و چپ تفوق داشت. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران حاصل ائتلاف طبقه متوسط سنتی و جدید بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۱۵) که این نیروهای اجتماعی متعلق به گفتمان های مختلفی بودند که از مهمترین آنها، گفتمان ایدئولوژیک و گفتمان دموکراتیک و یا اصلاح طلب بود. گفتمان ایدئولوژیک متعلق به نیروهای مذهبی بود که مهمترین مولفه های آن تاکید بر ارزش های دینی، اجرای شریعت اسلامی، فقرزدایی، حمایت از محرومان و مخالفت با سکولاریسم بود. در مقابل گفتمان اصلاح طلب وجود داشت که بیشتر متعلق به طیف دولت موقت و بازماندگان جبهه ملی بود و بر مفاهیمی، چون: قانون گرایی، اصلاحات، تساهل و تسامح و آشتی اسلام با مدرنیسم تاکید داشت (مسعودنیا، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۷).

فضای سیاسی ایران در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - ۱۳۶۰، تحت تاثیر تقابل دو گفتمان ایدئولوژیک و دموکراتیک قرار داشت که وقوع برخی رویدادها، از قبیل: کناره گیری دولت موقت، برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری، ترور مسؤولان بلند پایه و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به تدریج زمینه را برای هژمونیک شدن گفتمان ایدئولوژیک فراهم کرد. در دوران تفوق گفتمان ایدئولوژیک، مشارکت سیاسی در ایران در سطح بالایی وجود داشت. این مشارکت ماهیت توده ای داشت و بیشتر متأثر از وجوه کاریزماتیک رهبر فقید انقلاب امام خمینی (ره) و شرایط جنگی حاکم بر کشور داشت.

آغاز دومین دهه حیات جمهوری اسلامی ایران با رویدادهای مهم همراه بود که از مهمترین آنها می توان

تکنوکرات جدید، شامل مدیران، فن‌سالاران، متخصصان، کارگران ماهر و دانش‌آموختگان جدید بود که در نهایت به رشد طبقه متوسط جدید انجامید (مسعودنیا، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

علاوه بر رشد طبقه متوسط جدید، برخی تحولات جمعیتی دیگر در دهه ۱۳۷۰، نظیر: افزایش جمعیت جوان بودن جمعیت ایران، رشد شهرنشینی همراه با رشد نرخ باسوادی در جامعه، به ویژه در سطوح متوسطه و دانشگاهی، از عوامل اصلی تاثیرگذار بر تحولات جامعه ایران بود. عدم اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت در سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب همراه با اعمال برخی سیاست‌های تشویقی بر روند افزایش نرخ رشد جمعیت تاثیر گذار بود؛ به گونه‌ای که جمعیت کشور در طول نزدیک به دو دهه تقریباً دو برابر شد و به حدود ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسید. در این تحول جمعیتی سهم جوانان ۱۵ تا ۱۹ سال در ترکیب جمعیتی ایران مهم بود. این گروه به این علت که پس از انقلاب متولد شده بودند، رویدادهای بعد از پیروزی انقلاب و جنگ همراه با انگاره‌های ارزشی آن را درک نکرده بودند و هنگامی وارد عرصه اجتماعی - سیاسی شدند که بر اثر نوسازی و پیامدهای آن انگاره‌های جدید در حال شکل‌گیری بود. آنچه در این میان تاثیر دگرگونی‌های جمعیتی را بر تحولات ساختاری افزایش داد، سیاست‌های فرهنگی دولت در زمینه گسترش مراکز آموزشی، به ویژه در سطوح دانشگاهی و ابزارهای فرهنگی در جامعه بود که در نهایت به افزایش تعداد دانش‌آموزان، دانشجویان، دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و سرانجام افزایش قشر

روشنفکر منجر شد (جداول ۱ و ۲).

نگاهی به سیر صعودی شمارگان روزنامه‌ها، مجلات و کتب در سال‌های پس از ۱۳۶۸ گواه روشنی بر رشد گرایش‌های روشنفکری در جامعه و افزایش تقاضا برای ابزارهای پاسخگو به آن است. بدین ترتیب، رشد طبقه متوسط جدید همراه با گسترش شهرنشینی در ایران (جدول ۳) در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به ویژه در دهه دوم، بیانگر وقوع تحولات ساختاری و ارزشی در ایران بود. چنین رویدادهایی به تدریج سبب افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی در جامعه و جایگزینی مشارکت مبتنی بر مهندسی اجتماعی به جای مشارکت توده‌ای گردید.

جدول ۱- مقایسه رشد جمعیت باسواد در سال‌های ۱۳۵۵-

۱۳۷۵ (ربیعی، ۱۳۸۰: ۱۳۷)

نرخ رشد باسوادی سال	کل جمعیت ۷ ساله به بالا (نفر)	میزان باسوادی	مناطق شهری	مناطق روستایی
۱۳۵۵	۲۶/۰۴۴/۶۱۵	%۴۷/۵	%۶۵/۲	%۲۹/۷
۱۳۶۵	۳۸/۷۰۸/۸۷۹	%۵۲/۵	%۶۹/۸	%۳۲/۷
۱۳۷۵	۵۲/۲۹۴/۹۷۹	%۷۹/۵۱	%۷۲/۹۱	%۵۶/۲۶

جدول ۲- مقایسه شاخصه‌های فرهنگی بر اساس مراکز آموزشی -

فرهنگی و ابزارهای فرهنگی (ربیعی، ۱۳۸۰: ۱۳۷ و ۱۴۳)

عنوان	سال ۱۳۵۶	سال ۱۳۷۶	درصد رشد مطلق
دانشجو	۱۵۴۰۰۰ نفر	۱۲۵۰۰۰ نفر	۸۱۲
مراکز آموزش عالی	۶۰	۲۶۶	۴۴۳
نشریات	۲۴۰	۱۰۰۰	۲۶۲/۲
کتاب (عنوان)	۲۸۰۰	۱۶۰۰۰	۵۷۲
کتابخانه‌های عمومی	۳۶۰	۶۷۰	۱۸۶
صدا و سیما (تولید)	۸۸۰۰ (ساعت)	۱۶۶/۱۲۵ (ساعت)	۸۸۳

جدول ۳- مقایسه جمعیت شهرنشین و روستایی در ایران طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۵ (ربیعی، ۱۳۸۰: ۱۳۴)

سال مورد نظر	کل جمعیت	شهرنشین	روستانشین	درصد
۱۳۵۵	۳۳/۷۰۸/۷۴۴	۱۵/۸۵۴/۶۸۰	۱۷/۸۵۴/۰۶۴	۴۵/۷ شهرنشین ۵۴/۸ روستانشین
۱۳۶۵	۴۹/۴۴۵/۰۱۰	۲۶/۸۴۴/۵۶۱	۲۲/۳۴۹/۳۵۱	۵۴/۸ شهرنشین ۴۵/۲ روستانشین
۱۳۷۵	۶۰/۰۵۵/۴۸۸	۳۶/۸۱۷/۸۷۹	۲۳/۰۲۶/۲۹۳	۶۱/۳ شهرنشین ۳۸/۷ روستانشین

ایران سبب تقاضا برای جایگزینی مشارکت مبتنی بر مهندسی اجتماعی در عوض مشارکت توده ای گردید. ۴- بهبود وضع اقتصادی مردم و فاصله گیری از فضای جنگی سبب توجه مجدد به برخی از اصول فراموش شده قانون اساسی گردید.

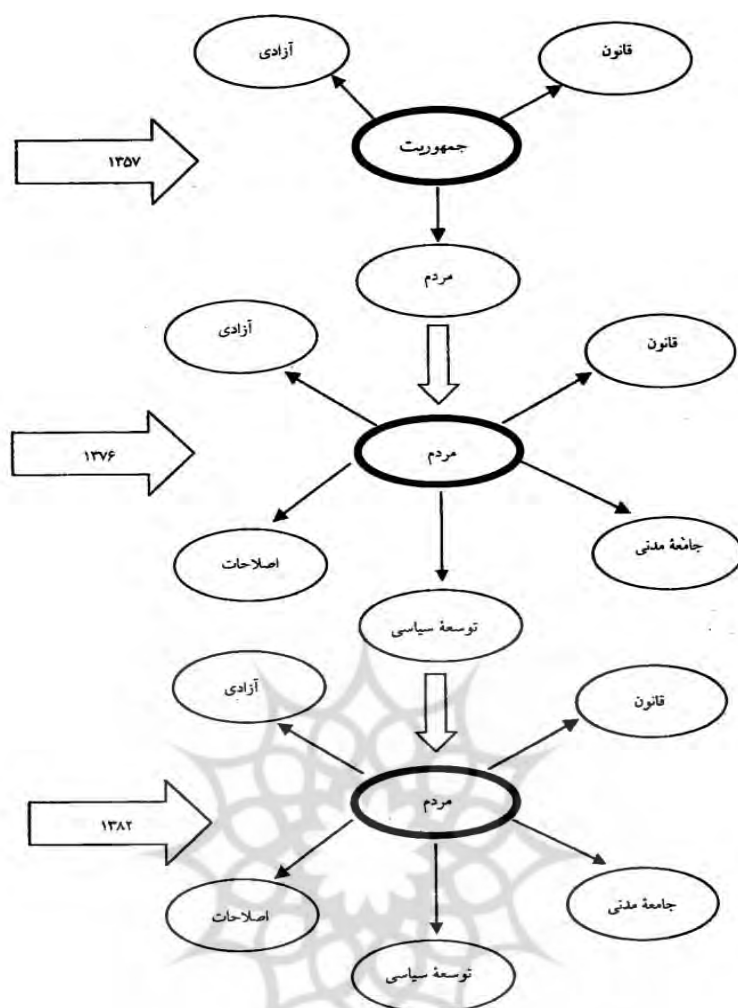
سید محمد خاتمی یکی از کاندیداهای هفتمین دوره ریاست جمهوری با طرح شعارهایی مانند جامعه مدنی، توسعه سیاسی، قانون گرایی و مردم سالاری به عنوان ابزار پراگماتیک گفتمان تکوین یافته در ایران در اواخر دهه ۱۳۶۰ و نیمه ی نخست دهه ۱۳۷۰ در صحنه سیاسی ایران عرض اندام کرد و پس از پیروزی در انتخابات به تدریج گفتمان اصلاحات با دال های اصلی خود؛ یعنی جامعه مدنی، مردم سالاری، توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی و قانونگرایی در صدد هژمونیک ساختن خود در جامعه ایران برآمد. نمودار زیر سیر گفتمان اصلاح طلبی از ابتدای انقلاب اسلامی تا اواسط دهه ۱۳۸۰ را نشان می دهد.

بنابراین، از آنجا که گفتمان های سیاسی در جامعه در پاسخ به محیط اجتماعی و شرایط موجود شکل می گیرد، به تدریج گفتمان دیگری که پایگاه آن بیشتر در میان طبقه متوسط جدید شهری بود، شکل گرفت. این گفتمان بر دال هایی مانند مردم سالاری، قانون گرایی، توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی، حقوق زنان و جامعه مدنی استوار بود. مؤلفه هایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و شعارهای دوران انقلاب مطرح گردیده بود و شرایط سال های نخست پس از پیروزی انقلاب و دوران جنگ فرصت توجه به آن ها را نداده بود. در تحلیلی کلی می توان شکل گیری گفتمان اصلاح طلبی در آستانه انتخابات ۱۳۷۶ را پاسخی به تحولات ذیل دانست:

۱- توسعه اقتصادی سبب ظهور قشر جدیدی در ساختار اجتماعی ایران گردیده بود که خواهان مشارکت سیاسی بود.

۲- رشد شهرنشینی و گسترش طبقه متوسط جدید تقاضا برای مشارکت سیاسی را افزایش داده بود.

۳- افزایش ارتباطات همراه با جوان بودن جامعه

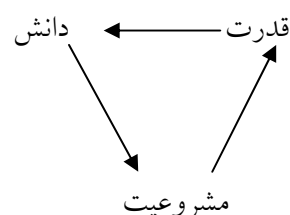


شکل ۱- تحول نظام معنایی گفتمان اصلاح طلب ۱۳۵۸ - ۱۳۸۲ (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۱۹)

گفتمان سیاسی و ادبیات (رمان)

متون ادبی و فرهنگی هر زمان یا از رژیم متاثرند و آن را قوام می‌بخشند و یا سودای دگرگونی دارند. به بیان دیگر، یا جزئی از دستگاه هژمونی حاکم اند یا در تضاد با آن هستند (میلانی، ۱۳۸۲: ۹). آن دسته از متون ادبی که پیوند تنگاتنگ با گفتمان سیاسی حاکم دارند، نه تنها وظیفه قوام بخشیدن به قدرت حاکم را دارند، بلکه در صدد تبیین و معرفی مولفه‌های گفتمان سیاسی حاکم نیز هستند که البته این وظیفه نیز تا اندازه زیادی همان وظیفه قوام بخشیدن است، زیرا از طریق تبیین و معرفی دال‌های گفتمان حاکم است که امکان هژمونیک شدن آن در جامعه فراهم می‌شود.

رابطه گفتمان سیاسی و ادبیات در هر مقطع زمانی را می‌توان با استناد به بحث میشل فوکو مبنی بر رابطه میان قدرت و دانش سیاسی تبیین کرد. از نظر او هر رژیم سیاسی، حقیقت خاص خود را به منظور مشروعیت بخشیدن به خود تولید می‌کند. این رابطه را می‌توان به شکل زیر نمایش داد.



پنج رمان برنده جایزه ادبی یلدا

در بررسی آثار ادبی باید به رابطه ی خالقان آن آثار با جامعه ای که در آن زندگی می کنند، توجه داشت، چون نویسندگان در خلأ فکری به نویسندگی نمی پردازند؛ حتی آنان که در انزوای شخصی به این کار مشغولند، تحت تاثیر کل عقاید سیاسی، اقتصادی، فلسفی و مذهبی دنیایی که در آن تولد و رشد یافته اند، قرار می گیرند و آثار ادبی آنها بازتاب چنین تاثیری است. اثر هنری جزء لاینفک زمینه اجتماعی است که آفرینش اثر را عهده دار است. زمان و مکان خاص به نحوی پایدار بر هنرمند و به پیروی آن بر حاصل تخیلات او تاثیر ماندنی و مشخص می گذارد (گوردن، ۱۳۷۹: ۴۰). به عبارت دیگر:

«اثر ادبی بیش از هر چیز در سنت زبانی و ادبی جای می گیرد و سنت نیز به نوبه خود محاط در اقلیم فرهنگ عمومی است و با اوضاع عینی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ارتباط دارد.» (ولک، ۱۳۷۳: ۱۱۳).

نیمه غایب:

رمان نیمه غایب، نوشته حسین سنابور در سال ۱۳۷۸ است و توسط نشر چشمه منتشر شده است. این رمان در سال ۱۳۷۸ برنده جایزه بهترین رمان سال از سوی پکا (جایزه ادبی مهرگان ادب) و در سال ۱۳۸۱ برنده جایزه ادبی یلدا بوده است. این رمان در سالهای بعد به چاپ دهم هم رسیده است.

خلاصه رمان: شخصیت های اصلی و تاثیر گذار این رمان سه نفر دانشجو هستند. فرهاد بلورچی دانشجوی معماری، پس از آشنایی با سیندخت صدرالدینی، دانشجوی رشته هنرهای تجسمی، به او دل می بندد. ثریا، مادر سیندخت، وقتی او دوساله بوده، از شوهرش جدا می شود و به آمریکا مهاجرت

رمان نیز بخشی از ادبیات هر جامعه است که همین رابطه دوسویه را با گفتمان سیاسی حاکم دارد؛ بدین معنا که از یک سو زبان و مفاهیم مورد استفاده در رمان متأثر از گفتمان سیاسی حاکم است و از سوی دیگر، هر رمان سیاسی و اجتماعی در صورت همسو بودن با با گفتمان حاکم در صدد مشروعیت بخشیدن به آن است.

گلدمن نیز در چارچوب ساختارگرایی خود بر این مهم تاکید می کند که نویسنده دست پرورده تولیدات فرهنگی جامعه است. به عبارت دیگر، داستان را نویسنده می آفریند، اما ارزش و قانون ها در زبانی نهفته است که از آن او نیست، بلکه از آن اجتماع اوست و این ارزش ها به گونه ای تاریخی بوجود آمده اند. از همین رو، ساختار اثر ادبی به خصوص رمان با ساختار جامعه پیوند می خورد؛ یعنی بین رمان و واقعیت اجتماعی شباهتی ساختاری دیده می شود؛ با این تفاوت که رمان با گزینش های خاص خود ساختاری سازمان یافته تر دارد (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

بدین ترتیب، با توجه به تاثیرپذیری رمان های هر مقطع از گفتمان سیاسی حاکم و نقش آنها در همزونیک کردن آن گفتمان، البته در صورت همسو بودن با گفتمان سیاسی، در این قسمت از پژوهش پنج رمان سیاسی دوره اصلاحات که برنده جایزه ادبی یلدا شده اند، مورد توجه قرار می گیرند؛ با این هدف که چگونه این پنج رمان در صدد تشریح تحولات و دگرگونی های ساختاری و ارزشی در جامعه ایران برآمده اند و تلاش کرده اند تا آرمان ها و آمال دو بخش مهم از جامعه شهری ایران؛ یعنی زنان و دانشجویان را که خواسته هایشان در گفتمان اصلاحات تبلور یافته بود، با زبان خاص ادبی در قالب رمان به تصویر بکشند.

سال‌هایی که حوادث انقلاب و جنگ ایران و عراق و پیامدهای آن - هرچند اشاره صریحی به آنها نشده است - به سرعت چهره جامعه و شکل روابط اجتماعی را دگرگون می‌کنند و معیارها و ارزش‌های کاملاً متفاوت، پیش روی افراد جامعه می‌گذارند. بیشتر این تغییرات خود را در زندگی جوانان دانشجویی رمان نشان می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

اغلب شخصیت‌های رمان به طبقه متوسط جامعه تعلق دارند و از نظر گرایش‌های اجتماعی، روشنفکر و در صدد تغییر وضع خود هستند. آنها معتقدند با عمل خود می‌توانند اوضاع زندگی‌شان را تغییر دهند. فرهاد خود را از زیر سلطه پدرش که یک بازاری است بیرون می‌کشد. سیندخت با تقدیر و مهری که اعتقاد دارد بر پیشانی‌اش زده‌اند، مبارزه می‌کند. او از کودکی مسئولیت پدر و خانه را بر دوش داشته و علت فرار مادرش را قید و بندهایی که پدر و دیگران به او تحمیل کرده‌اند، می‌داند، خودش نیز در صدد فرار و شکستن این قید و بندهاست و سعی دارد هویت خود را به عنوان یک انسان کشف کند. او نمی‌خواهد مطیع و هنجارپذیر باشد. به همین دلیل نمی‌تواند به رابطه خود با فرهاد ادامه دهد. همین مساله باعث می‌شود در کنار مسائل دانشجویی، شخصیت‌های زن رمان هم قابل توجه باشند.

سه شخصیت زن رمان (ثریا، سیندخت و فرح) هر سه عصیانگرند و هنجارهای اجتماعی را نمی‌پذیرند. در کنار سیندخت که در پی مبارزه با گفتمان غالب است، فرح، دوست و همخانه سیندخت، هم دختری است شهرستانی که سعی می‌کند در جامعه جدید برای خود جایی بیابد. پدرش بدون آگاهی او تصمیم می‌گیرد که او را به عقد و ازدواج یکی از اقوام

می‌کند. سیندخت پس از فوت پدرش با دوست و همکلاسی‌اش فرح که از شهرستان برای تحصیل به تهران آمده است، زندگی می‌کند. فرهاد بنابه پیشنهاد پدر خود که مردی تاجرپیشه و سنتی است، از سیندخت می‌خواهد که برای آشنا شدن با خانواده او به خانه آنها برود، اما سیندخت که در فکر یافتن مادر خود است، پیشنهاد او را رد می‌کند و ازدواج با فرهاد را موکول به زمانی می‌کند که مادرش را یافته باشد. به دنبال جروبحتی که بین او و فرهاد پیش می‌آید، رابطه‌شان قطع می‌شود.

فرهاد به دنبال اعتصاب غذای دانشجویان به خاطر نامناسب بودن غذا، دانشگاه را کنار می‌گذارد (معلق از تحصیل). او از خانواده سنتی خود هم جدا می‌شود و به تنهایی زندگی می‌کند. یک سال و نیم بعد مادر فرهاد با تلاش بسیار او را پیدا می‌کند تا او را از بیماری و مرگ نزدیک پدرش باخبر کند. مادر سیندخت هم وقتی از بحران روحی دخترش باخبر می‌شود، به تهران می‌آید و مقدمات سفر دخترش به آمریکا را فراهم می‌آورد.

زمانی که فرهاد به دیدار پدرش می‌رود، پدر از او می‌خواهد که به خانواده برگردد و با تحقیقاتی که از پیش انجام داده، می‌داند که سیندخت به آمریکا رفته است، و به فرهاد اختیار می‌دهد که با هر کس می‌خواهد ازدواج کند. فرهاد به جستجوی سیندخت می‌رود و از فرح، دوست سیندخت می‌شنود که او به آمریکا رفته و با یکی از همکلاسی‌های خود در آنجا ازدواج کرده است.

کشاکش‌ها و بحران‌های روحی که شخصیت‌های جوان رمان با آن درگیر هستند، بازتاب جامعه دگرگون شده ایران در سال‌های اواخر دهه ۱۳۶۰ است.

دانشجویان دور نگه دارد. او در پی آن است که برای ادامه تحصیل به آمریکا برود، اما عشق و علاقه فردوس را نسبت به خود دست و پا گیر می داند و در صدد بر می آید به نحوی او را از زندگی خود دور کند. از این رو، قرار ملاقاتی با فردوس می گذارد و در عین حال، پنهانی پدر فردوس را از این قرار باخبر می کند تا پدر با آمدن بر سر قرار و دیدن آنها با هم مانع رفت و آمدهای فردوس شود.

درست در همان روز، دوستان روزبه که به سختی درگیر فعالیت های سیاسی هستند، ماموریت جابه جا کردن اسناد و مدارک مهمی را به فردوس می دهند که برای جلب توجه روزبه به کارهای سیاسی رو آورده است و تصادفاً چند لحظه پیش از ملاقات با روزبه دستگیر می شود. روزبه که شاهد دستگیری اوست، خود را مقصر می داند و در ناراحتی و عذاب وجدانی که دارد، فرصت ادامه تحصیل در آمریکا را از دست می دهد. فردوس یکی دو ماه بعد آزاد می شود، ازدواج می کند و به شهرستان می رود. دو سال بعد طلاق می گیرد و به تهران برمی گردد. در همین روزها بر حسب تصادف و به واسطه دوست مشترک آن دو یکدیگر را ملاقات می کنند و آنچه را در این دو سال بر آنها گذشته و از آنها آدم های دیگری ساخته، برای هم بازگو می کنند.

زمان داستان دهه ۷۰ شمسی و مکان آن دانشگاه تهران و اطراف آن است. در این رمان با گوشه ای از زندگی دانشجویان و جنب و جوش های صنفی و سیاسی آنها در سال های اواسط دهه ۷۰ آشنا می شویم. در فضای آن سال ها هم جوان دانشجویی که سعی دارد خود را از سیاست و عوارض آن دور نگه دارد و آینده ای دلخواه و مرفه برای خود بسازد و هم دختری بی تجربه ای که کوچکترین آگاهی و درکی

دورشان درآورد. برای خانواده سنتی فرح این نوع ازدواج عادی است، ولی فرح با نرفتن به مهمانی که برای ازدواجش ترتیب داده اند، عصیان خود را علیه پدرش اعلام می کند و عواقب آن را نیز می پذیرد. ثریا، مادر سیندخت پس از سفر به آمریکا به سختی و از راه دست فروشی امرار معاش می کند. او در آمریکا به تدریج خیاطی یاد می گیرد و پیشرفت می کند و اکنون مدیر فروشگاه در آمریکاست. او نمونه زنی است که با گذر از سنت ها و جامعه سنتی پا به غرب می گذارد و ترقی می کند.

نویسنده در نیمه غایب شخصیت هایی را توصیف می کند که دچار روزمرگی شده اند و به دنبال معنای زندگی خود هستند. جستجوی آنها را می توان نشان دهنده جستجوی نسلی دانست که پس از انقلاب در پی یافتن جایگاه اجتماعی خاص خود در جامعه جدید است.

ویران می آبی

این رمان اثر دیگری از حسین سنایور است که در سال ۱۳۸۲ نشر چشمه آن را به منتشر کرده است. این رمان نامزد بهترین رمان سال ۱۳۸۲ در مؤسسه یلدا و بنیاد گلشیری بود.

خلاصه رمان: روزبه دانشجوی جوانی است که با فردوس، دختر جوانی از خانواده ای فقیر و عامی آشنا می شود. این آشنایی به شیفتگی دختر نسبت به روزبه می انجامد. روزبه هرچند نسبت به مسائل سیاسی و صنفی دانشجویان بی اعتنا نیست، اما از آنجا که تجربه تلخ پدر خود را که در جوانی مجذوب سیاست بوده است (پدرش از روشنفکران چپی بوده که از اعمال سران سیاسی خود سرخورده است) پیش چشم دارد، تلاش می کند خود را از فعالیت های سیاسی

از مسائل سیاسی ندارد، ناخواسته با حکومت و سیاست روبه‌رو و درگیر می‌شوند. این رویارویی دختر را به پختگی و تعادل روحی می‌رساند و پسر را با همه روشن بینی و آگاهی‌هایی که دارد، به بحران روحی و انزوا می‌کشاند تا از بلند پروازی‌هایی که برای آینده دارد، رها کند (میر صادقی، ۱۳۸۶: ۲۲۷-۲۲۸). دو شخصیت اصلی، فردوس و روزبه، هر کدام به نوعی از حرکت‌های سیاسی دانشجویی سرخورده می‌شوند. فردوس به این علت که می‌بیند این حرکت‌ها نه تنها حاصلی در بر ندارد، بلکه افراد فعال آن با او برخوردی شی‌انگارانه کرده‌اند و تنها برای پیشبرد مقاصد خود از او بهره‌گرفته‌اند. روزبه هم به علت تجربه شکست سیاسی پدر و تردید داشتن در صحت این جریان‌ها به مرور از این گونه فعالیت‌ها دوری می‌کند.

شاه کلید

این رمان نوشته جعفر مدرس صادقی است. او از نویسندگان پرکار سال‌های پس از انقلاب است و رمان شاه کلید او در سال ۱۳۸۱ به طور مشترک برنده جایزه ادبی یلدا شده است.

خلاصه رمان: راوی داستان از دوران نوجوانی با فردی به نام میرمحمد دوست بوده. پس از به قتل رسیدن این فرد (میرمحمد) بازداشت می‌شود تا اطلاعاتی از او درباره دوست مقتولش به دست آورند. راوی داستان خود یک مامور است و در قالب گزارش قتل، خاطراتش را با میرمحمد بازگو می‌کند. راوی و میرمحمد از سال‌های تحصیل در دبیرستان با هم همکلاسی و هم محلی و دوستان صمیمی بوده‌اند. آنها در سال‌های نزدیک به انقلاب

مدتی یکدیگر را نمی‌بینند تا اینکه در بجنبه انقلاب راوی داستان که در دانشگاه تهران به دست فروشی کتاب مشغول بوده است، به طور اتفاقی میر محمد را می‌بیند. میر محمد اکنون گرایش‌های تند سیاسی پیدا کرده و یک فعال سیاسی است. در همین ایام در دانشگاه تهران راوی داستان با دختری به نام شادی آشنا می‌شود که گرایش‌های تند چپ دارد و به دست فروشی کتاب‌ها و جزوات مربوط به همین گرایش سیاسی مشغول است. با فاصله گرفتن از روزهای انقلاب هر سه نفر (راوی، میر محمد و شادی) مشغول زندگی روزمره‌شان شده و دوستی عمیقتری باهم پیدا می‌کنند. در همین ایام راوی داستان با فردی به نام احمد آشنا می‌شود و او را مراد خود و صاحب کرامت می‌داند و وابستگی زیادی به او پیدا می‌کند و بعدها معلوم می‌شود که احمد یک مامور اطلاعاتی است و دوستی او با راوی داستان برای جذب راوی به عنوان یک مامور و کسب اطلاعات درباره میرمحمد و دوستش خسرو و شادی است. در پایان داستان میر محمد و دوستش خسرو با همکاری راوی دستگیر و در پنهانی کشته می‌شوند. شادی هم دستگیر شده و در زندان اعدام می‌شود.

زمان داستان دهه هفتاد و با اشاره به سال‌های اوایل انقلاب است. شخصیت اصلی که راوی داستان است، در ابتدا فردی بیکار و وابسته به قشر تهیدست جامعه است. پدرش دستفروش بوده و خود او هم در اوایل انقلاب مدتی به دستفروشی کتاب در دانشگاه تهران می‌پردازد. بعدها او ساعت فروش می‌شود و در انتها به یک مامور مخفی تبدیل می‌شود.

به طور کلی، ظرایف شکلی و مضمونی متن را گروه‌های روشنفکر و نخبگان بهتر درک می‌کنند.

رمان، کلاریس، زنی ۳۸ ساله است. او یک پسر ۱۵ ساله و دو دختر دوقلوی ۷-۸ ساله دارد. همسرش آرتوش هم در شرکت نفت کار می کند. خانواده سیمونیان در ساختمان روبرویی، محل سکونت کلاریس و خانواده اش، ساکن می شوند. باب رابطه دو خانواده با دوستی امیلی و دوقلوها گشوده می شود. آرتوش تمایلی به رفت و آمد با خانواده سیمونیان ندارد، اما علی رغم میل خود دعوت مهمانی امیل سیمونیان را می پذیرد. در این مهمانی کلاریس حضور مستبدانه مادر امیل را در زندگی امیل و امیلی به خوبی احساس می کند. کلاریس به مرور جذب رفتار محبت آمیز و شخصیت دقیق و حساس امیل می شود و او را با شوهرش مقایسه می کند و نسبت به بی توجهی های شوهرش حساس تر می شود. رفت و آمد بین دو خانواده بیشتر می شود و ابراز محبت های امیل در روند داستان باعث ایجاد نوعی رابطه عاطفی بین آنها می شود. این همدلی ها منجر به سوء تفاهم از طرف کلاریس شده و او در این رابطه به خودکامی پرداخته، آشکارا «تنهایی» خود را حس می کند. در جریان داستان، ملخ ها به شهر حمله می کنند و کلاریس را به این فکر وامی دارد که این حمله هشدار است برای احساسات نامشروعی که در این مدت دچارش بوده است. خانواده سیمونیان هم بی خبر به شهر دیگری نفل مکان می کنند. کلاریس هم با پشیمانی از احساسات گذشته اش، بار دیگر تمام توجه خود را معطوف به خانواده اش می کند.

پیرزاد با طرح مشکلات زنان در قالب رئالیسم اجتماعی، سعی در پرداختن به دغدغه های خاص خود درباره مساله «زن بودن» دارد. زن داستان احساس می کند که برای دیگران، مخصوصا مادر، شوهر و فرزندانش بیش از حد فداکاری کرده است.

راوی منکوب قدرت حاکم است و به دستگاه قدرت حاکم می پیوندد تا او هم بخشی از قدرت باشد. او همیشه به دنبال یک فرد غایب است تا او را در زندگی راهنمایی کند. نیاز به داشتن یک مراد و راهنمای قدرتمند را می توان در بخش های مختلف رمان دید، اما شخصیت اصلی دیگر (میرمحمد) وارد چالش با مناسبات قدرت می شود و منتقد وضع موجود است. عصیان او منجر به مرگش می شود. تقابل این دو شخصیت به نوعی نقدی بر گفتمان غالب است و نشان می دهد که نهاد قدرت با این دو نفر که هرکدام تعلق جداگانه ایدئولوژیک دارند، چگونه برخورد می کند. (گودرزی، ۱۳۸۶: ۹۵). شادی نیز وارد چالش با گفتمان غالب و هنجارهای اجتماعی می شود و حتی بدون توجه به جنسیت خود، به کارهایی دست می زند که در گفتمان غالب مردانه تعریف شده اند. او حتی ظاهر خود را به شکل مردان در می آورد. او به نوعی نشان دهنده عصیان زن در برابر هنجارهای اجتماعی است. او موظف است برای دفاع از ایدئولوژی خود جنسیت خود را نفی کند و با کسوتی مردانه وارد عمل سیاسی و اجتماعی شود.

چراغها را من خاموش می کنم

این رمان نوشته زویا پیرزاد است و در سال ۱۳۸۰ نشر مرکز آن را منتشر کرده است. این کتاب تا کنون چند جایزه معتبر ادبی را در ایران برنده است. جایزه ادبی یلدا (۱۳۸۰)، جایزه بهترین رمان سال بنیاد گلشیری و جایزه کتاب سال، از جمله این جوایز است.

خلاصه رمان: داستان با ورود امیل سیمونیان، مردی تقریباً ۴۰ ساله و دخترش امیلی و مادر پیرش در سال های دهه ۴۰ به آبادان آغاز می شود. شخصیت اصلی

آنچه در این اثر پیرزاد بیشتر به چشم می‌خورد، این موضوع است که زنان به گونه‌ای در مسئولیت و دنیای خانوادگی خود غرق می‌شوند که زمانی متوجه می‌شوند که هیچ هویت اجتماعی جداگانه و خاصی در جامعه ندارند. یک زن برای اینکه شناخته شود و بتواند جایگاه خود را به عنوان زن در جامعه تثبیت کند، باید با عناوینی مثل مادر، همسر و دختر شخصیتی دیگر که در بیشتر و نزدیک به همه موارد یک مرد است، مورد خطاب واقع شود و ارزش اجتماعی او هم مدیون شغل پدر یا همسر است تا ارزش ذاتی خود او. البته، خود زنان هم در به وجود آمدن این نوع نگرش نسبت به زن چندان بی‌تقصیر نبوده‌اند. گرایش آنها به ازدواج و مادر شدن گاهی آنچنان وجودشان را تسخیر می‌کند که وجود خود را به عنوان یک انسان مستقل نادیده می‌گیرند و خود را صرفاً در چارچوب مادر یا همسر محدود می‌کنند.

پرنده من

پرنده من، نخستین رمان فریبا وفی بود که در سال ۱۳۸۱ منتشر شد و بسیار مورد استقبال منتقدان قرار گرفت. این کتاب برنده جایزه بهترین رمان سال ۱۳۸۱، جایزه سومین دوره جایزه هوشنگ گلشیری و جایزه دومین دوره جایزه ادبی یلدا شده است و از سوی بنیاد جایزه ادبی مهرگان و جایزه ادبی اصفهان مورد تقدیر واقع شده است.

خلاصه رمان: زن و شوهری پس از سال‌ها مستاجری آپارتمان کوچکی می‌خرند. با وجود کوچک بودن آپارتمان (حدود ۵۰ متر) و سطح نازل فرهنگ همسایه‌ها و شلوغ بودن محله که با محله چینی‌ها مقایسه می‌شود، زن از احساس مالک بودن لذت

می‌برد و سعی می‌کند خانه و زندگی‌اش را دوست داشته باشد و از این حریم کوچک خود در مقابل همسایگان و اقوام محافظت کند، اما آنچه او را تهدید می‌کند، نه از جانب دیگران، بلکه از جانب شوهر اوست. شوهرش می‌خواهد خانه را بر خلاف میل زن بفروشد و پول آن را صرف مقدمات مهاجرت به کانادا کند. مرد آینده خود و خانواده‌اش را در گرو مهاجرت می‌بیند، اما زن به آنچه دارد، راضی است و مایل نیست وضعیتش تغییر کند، چون فکر می‌کند تا او بتواند خودش را با موقعیت جدید تطبیق دهد، عمرش سر آمده است. در خلال داستان، زن خاطراتی از دوران کودکی خود و خواهرانش و مشکلات مادرو پدرش نقل می‌کند و بیشتر خاطرات او مربوط به ناراضی‌ت و ناراحتی مادرش پس از ازدواج مجدد پدرش است. در پایان داستان مرد برای خانه مشتری می‌آورد، اما در ظاهر مشتری به خاطر سرو صدای همسایه‌ها از خرید خانه منصرف می‌شود. زن هم به قول خودش میدان جنگ را با سکوت ترک می‌کند و برای قدم زدن از خانه خارج می‌شود.

زمان داستان دهه هفتاد شمسی و در یکی از محله‌های شلوغ و پر سرو صدای تهران است. شخصیت‌های داستان به لایه‌های پایینی طبقه متوسط تعلق دارند و توصیف محل زندگی‌شان، ویژگی‌های محل زندگی همین طبقه را نشان می‌دهد. اتفاقات رمان بیشتر حول محور مشکلات زن داستان می‌گردد و در کنار آن به بچه‌ها و شوهر هم اشاره می‌شود. قصه داستان تنشی خانوادگی را پیش می‌برد؛ تنشی که ناشی از آرامش طلبی زن خانواده و تکاپوی مرد خانواده برای تغییر اوضاع زندگی آنهاست. این تکاپو برخاسته از وضعیت فرهنگی و

ناخودآگاهی دارند، در حالی که فرد خاصی که متعلق به این گروه هاست، قادر است در روندی آگاهانه آن جهان بینی را بسازد. این فرد هم جهان بینی گروه را برایش آشکار می کند و هم آن جهان بینی را در جهت منافع و آرزوهای گروه تشریح می کند. البته، گلدمن این وظیفه را نه برای همه افراد، بلکه برای افراد معدودی که آنها را افراد استثنایی می نامد، محول می کند. به نظر می رسد یکی از این افراد نویسندگان رمان باشند.

در سه رمان «ویران می آبی»، «نیمه غایب» و «شاه کلید» شخصیت های اصلی دانشجو و متعلق به طبقه می متوسط جدید هستند و نویسنده جهان بینی؛ یعنی آمل و آرزوهای آنها را مدنظر دارد. پس از جنگ و در محدوده سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ جنبش دانشجویی در رخوت و رکود به سر می برد و در برابر سیاست رسمی توسعه اقتصادی دولت، موضع طرفداری از «عدالت اجتماعی» را برگزید. در اواسط دهه ۱۳۷۰ دانشجویان سعی می کردند با شدت و ضعف رویه های متفاوت و نسبتاً مستقلى از دولت در پیش بگیرند و در سال ۱۳۷۶ و با انتخابات دوم خرداد به شکل چشمگیری از حالت رکود و رخوت خارج شده بودند. در ایجاد این شرایط باید به افزایش تعداد دانشجویان و مراکز آموزش عالی هم اشاره کرد.

هانتینگتون در این باره می گوید: «در جوامع مدرن دانشجویان معمولاً فعالترین و مهمترین نیروی سیاسی طبقه متوسط را تشکیل می دهند. مخالفت دانشجویان با حکومت، شدیدترین نشانه مخالفت طبقه متوسط است، زیرا مخالفتی پایدار است. این نوع مخالفت ها از کاستی های مادی سرچشمه نمی گیرد، بلکه بیشتر از عدم امنیت روانی، از خود بیگانگی و احساس گناه شخصی و احساس نیاز به هویت مایه می گیرد. طبقه

اجتماعی تازه است و در واقع کشمکش داستان زاده برهه تاریخی خاصی است که حضور ایدئولوژی اقتصادی مصرفی از شاخص های آن است.

متن به طور کلی به مشکلات زنان و جایگاه فرودست آنها در جامعه اشاره کرده است و به نوعی رکود و سستی آنها را به موقعیت اقتصادی و اجتماعی شان وابسته دانسته است. البته، زنان داستان رفتار یکسانی ندارند. شخصیت اصلی داستان گفتمان غالب درباره زنان را پذیرفته، ولی یکی از خواهران او به بهانه زن باره بودن پدر، به این روابط عصیان می کند و ازدواج نمی کند. خواهر دیگرش پنهانی با خواستگاری که او را به آمریکا می برد، ازدواج می کند و چندماه بعد هم از او جدا شده و زندگی مستقلی را در آمریکا شروع می کند. مادر خانواده به علت زن باره بودن پدر خانواده، مشکلات روحی فراوانی پیدا کرده است، در حالی که خواهرش گفتمان غالب در مورد زنان را نمی پذیرد. پایان داستان باز است و نمی توان نتیجه مشخصی از آن گرفت. کشمکش ها همچنان باقی می ماند و خواننده را وارد حوزه نقد وضع موجود و تلاش برای دگرگون کردن آن می کند.

نقد اجتماعی رمان ها

بر اساس نظریه گلدمن، اثر ادبی دو کارکرد مهم در زندگی اجتماعی ایفا می کند: از یک طرف آن اثر به گروه اجتماعی کمک می کند تا خود آگاهی به دست آورند و تمایلات خاص فکری خودشان را بفهمند و از طرف دیگر، اعضای گروه را با ارائه یک مدل خیالی از گروه ارضا می کند؛ موقعیتی که به عنوان جبران تنش های متعدد گروه با واقعیت، که مانع رسیدن گروه به اهداف و آرزوهایش می شود عمل می کند. به نظر گلدمن، گروه های اجتماعی جهان بینی

گرفت و رمان‌ها و داستان‌های کوتاهی که پیش از آن کمتر مجال نشر می‌یافتند، به بازار نشر و کتابخوانی راه یافتند. برای مثال، در مورد رمان نیمه‌غایب با توجه به زمان نگارش رمان که در صفحه پایانی آن آمده است (۱۳۷۷) اگر نتوان تولد رمان را به فضای سیاسی و اجتماعی پیش آمده پس از دوم خرداد مرتبط دانست، دست کم می‌توان مقبولیت آن را در میان علاقه‌مندان به رمان به خاطر گفتمان جدیدی دانست که در جامعه شکل گرفته بود.

در رمان‌هایی که شخصیت‌های داستان، دانشجوی هستند، غالباً گرایش‌های سیاسی، بخش‌جدايي ناپذیری از شخصیت‌ها به شمار می‌روند. این گرایش‌ها در دو مسیر جداگانه می‌روند:

الف - تایید حرکت‌های سیاسی و دانشجویی و این که لازمه دانشجوی بودن شرکت در اعتراض‌های سیاسی است.

ب- نفی حرکت‌های دانشجویی و این که اعتراض‌های سیاسی دانشجویان امری موقتی و بی‌ثمر است و جز ایجاد مانع برای پیشرفت شخصیت‌ها حاصلی در بر ندارد (گودرزی، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۰۰).

در مورد اول به طور معمول به خود دانشجویان پرداخته می‌شود و عامل اصلی حرکت، اندیشه خودآگاهانه شخصیت‌هاست و در مورد دوم معمولاً به کاستی جریان‌های سیاسی و بی‌کفایتی گردانندگان آنها اشاره می‌شود و اینکه اقتدارگرایی این افراد، عاملی است برای بازیچه قرار دادن دانشجویان. هر سه رمان به نوع دوم تعلق دارد؛ یعنی چنین به نظر می‌رسد که نویسنده در نقد گفتمان موجود از شخصیت‌های دانشجوی و فعالیت‌های دانشجویی در اثر خود استفاده کرده است. به این ترتیب، رمان فارسی

متوسط شهری‌شان ملی، پیشرفت هدف ملی و فرصت مشارکت در بازسازی سراسر جامعه را خواستار است. این هدف‌ها را معمولاً هیچ حکومتی نمی‌تواند به راستی برآورده سازد. به همین جهت، این عناصر طبقه متوسط را نمی‌توان با اصلاحات آرام کرد.» (هانینگتون، ۱۳۶۹: ۵۲۸) دانشجویان و روشنفکران جامعه با مشاهده تفاوت عمیق جامعه خود با جوامع پیشرفته از جامعه خود بیگانه و شرمسار می‌شوند و پیوسته در آرزوی بازسازی کامل جامعه خود و جای گرفتن در صف کشورهای پیشرفته هستند. چون دانشجویان هنوز وارد مناسبات تولیدی و طبقاتی نشده‌اند و از سه منبع قدرت، ثروت و منزلت تقریباً دور هستند، احساس محرومیت نسبی موجب می‌شود که معمولاً قشر دانشجوی خواهان تغییر و تحول باشند و تفکر محافظه‌کاری کمتر در میان دانشجویان جایی داشته باشد. علاوه بر این، چون قشر دانشجوی در سنین جوانی هستند و با واقعیت‌های ملموس زندگی کمتر در ارتباطند، آرمان‌گرایی آنها بر واقع‌گراییشان پیشی می‌گیرد. به علت اشتغال به تحصیل، آنها همیشه ضریبی از اندیشه و آگاهی را دارند و عملگرایی محض نیستند. دانشجویان جزیی از جنبش روشنفکری و حدفاصل میان روشنفکران و توده مردم هستند، ولی بر خلاف روشنفکران که در نوعی انزوای اجتماعی به سر می‌برند و ارتباطشان با توده مردم کمتر است، حامل ویژگی‌های گروهی و طبقاتی یا جنبش‌های غیر روشنفکری هستند.

این رمان‌ها در زمانی منتشر شد که حال و هوای خاصی بر جامعه حاکم بود و در پی تغییر فضای سیاسی کشور پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ در عرصه ادبیات و فرهنگ هم فضای جدیدی شکل

از موقعیت خود رسیده بودند و برای مقابله با آنچه آنها را به پشت پرده ی انزوا می راند، با حساسیتی ذهن گرایانه و کمتر متکی بر هیجان به زندگی امروز می پرداختند. به طور خاص در دوره اصلاحات شرایط برای گسترش تلاش های همه جانبه ی زنان در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهیاتر شد. تلاش برای تحقق و تقویت جامعه مدنی برای زنان هم موقعیت مناسبی برای طرح مسائل و نیازها و مشکلات خاص زنان فراهم کرد. نویسندگان زن هم در آثار خود این مسائل مورد توجه قرار دادند.

از آغاز نگارش و انتشار اولین رمان توسط نویسندگان زن تا اواسط دهه ی ۷۰ شمسی دو گونه رمان شکل گرفته است. گروه اول شامل رمان های نخبه پسند است که تحت تاثیر مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه مثل جنگ و انقلاب به نگارش در آمده اند. گروه دوم رمان های عامه پسند هستند که صرفاً به مسائل عاشقانه می پردازند و نمونه های فراوانی برای آن وجود دارد. اما از اواسط دهه ی ۷۰ به بعد زنان تجربه جدیدی را در رمانها آغاز کرده اند و آن «گفتگوی درونی» است. در خلال این گفتگوی درونی آنها بیش از هر چیز دغدغه های درونی شان را روایت و برجسته می کنند و ذهن خواننده را به سوی آنچه برای خودشان مهم است سوق می دهند. زن دیروز در پس نقش ها استحاله شده است و رخدادها هستند که برایش تعیین می کنند که چگونه سخن بگوید ولی در رمان های متاخر راوی خود را به شیوه ای جدی روایت می کند (پرستش، ۱۳۸۹: ۵۶).

این دو رمان هم در این گروه جا می گیرد. در این دو رمان دو تصویر از زنان وجود دارد. در تصویر اولیه آنها موجوداتی درون گرا، منفعل، احساساتی، آرام، ساکت، باگذشت، سازگار و فداکار و مطیع همسر و

در این دوره نیز همچنان به انعکاس مسائل اجتماعی و نیز جستجوی راه حل مشغول است. وجه انتقادی رمان فارسی یکی از عمده ترین وجوه این رمانهاست. این به نویسنده و جایگاه او در جامعه ایرانی نیز مربوط می شود. مثل اینکه نویسنده سخنگوی جامعه خود است و باید همواره خواسته ها، آرمان ها و آرزوهای جامعه را در اثر خویش منعکس کند. این مساله به نوعی تایید نظریه لوسین گلدمن در باب آفرینش های ادبی است که معتقد بود خالق اثر ادبی و هنری، مردم و گروه های اجتماعی هستند و نویسنده فقط شکل هنری به بینش گروه های طبقاتی و مردم می دهد.

در نقد جامعه شناختی دو رمان «چراغ ها را من خاموش می کنم» و «پرنده من» باید گفت در این رمان ها هم مانند سه رمان قبل وجه انتقادی رمان بیشتر است. نویسنده زن رمان با درک کامل مسائل و مشکلات زنان با دید انتقادی به وضع موجود نگاه می کند و خواهان تغییر نگرش و وضع فعلی است. نویسندگان زن این دو رمان هم جهان بینی زنان ایرانی مخصوصاً زنان طبقه ی متوسط را مدنظر دارند. زنان بسیاری در این دوره به نویسندگی روی آورده اند بدون اینکه مشغله ذهنی آنها آفرینش ادبیات فمینیستی بوده باشد. آنها نیز مانند سایر داستان نویسان، چه مرد و چه زن، به مسائل انسان و مناسباتش در درون جامعه می پردازند.

یکی از نکات برجسته رمان نویسی در دهه هفتاد می توان به حضور نویسندگان زن اشاره کرد. زنان ایرانی به ویژه در سال های پس از انقلاب به عنوان انسان هایی قرار گرفته بر گسل تاریخی - فرهنگی پدید آمده بر اثر جا به جایی دو نظام و تبعات انقلاب و جنگ، قلم به دست گرفته اند. زنان به شناختی تازه

در مرحله ای از تحول اجتماعی به درکی دیگر و شناختی تازه از خود و موقعیتشان در جامعه رسیده اند (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۱۱۹).

مطرح شدن داستان های نویسندگان زن به این دلیل هم هست که بسیاری از خوانندگان رمان، زنان طبقه ی متوسط اند که اوضاع زمانه فراغتی بیش از پیش برایشان فراهم آورده و آنان را به خوانندگان پروپا قرص رمان فارسی و مخاطبان جدی نویسندگان مبدل ساخته است. رویکرد به رمان خوانی، زنان بسیاری را به نوشتن برانگیخته است. پس هم نویسندگان زن مطرح اند و هم زنان رمان خوان. زنانی که طی حوادث انقلاب و پس از آن از چارچوب خانه و سنت بیرون آمدند و در اجتماع هویتی تازه یافته اند. آنها محدودیت ها را با تردید در باورهای پذیرفته شده درباره ی زنان پاسخ می دهند و با خواندن و نوشتن رمان های حدیث نفس گونه، در پی کسب نوعی رهایی درونی اند. می توان از رمان های هر دوره به عنوان منبعی جامعه شناختی برای بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره و بازتاب آن در جامعه استفاده کرد. این مطلب در مورد ۵ رمان سیاسی و اجتماعی انتخاب شده در این پژوهش نیز صادق است. این رمان ها به زنان و جوانان دانشجو و تحصیلکرده به عنوان دو قشر از طبقه ی متوسط جدید پرداخته اند و نویسنده رمان به عنوان نماینده این گروه ها به مسائل و مشکلات آن ها و به عبارت دیگر جهان بینی آنها توجه کرده است.

جمع بندی

با توجه به رویکرد جامعه شناسی ادبی و ساختارگرایی تکوینی گلدمن برای بررسی نحوه

فرزندان هستند. آنان زنانی از طبقه ی متوسط اند و چیزی از آن «خود» ندارند و خود آنها متعلق به «دیگری» است. دیگری که می تواند شوهر، فرزند یا مادر باشد. در همه جا سایه سنگین دیگری احساس می شود که همه چیز باید مطابق میل و علاقه و خواسته های او باشد. از اواسط داستان تصویر زنان وارد مرحله ی جدیدی می شود و با تلنگری شیشه باورهای درونی شده شان که مبتنی بر نقش های جنسیتی است می شکند. آنها به موجوداتی پرسشگر تبدیل می شوند. وضعیت موجود خود را مورد تردید و سوال قرار می دهند و عرصه کنش های انسانی شان با خودآگاهی پیوند خورده است. آنها در دوراهی بین توجه به خود و دیگری و برای خروج از این وضعیت، قراردادهای موجود را با شیوه های نو درهم می آمیزند. از این به بعد به خاطر شکل گیری «فردیت» و «خود» در وجودشان، خواستار مطالباتی جدید هستند.

به طور کلی بخشی از جذابیت داستان های نویسندگان زن این دوره در این است که دنیای زنان ناشناخته تر از دنیای مردان است. در داستان های ما اغلب از دید مردانه به مسائل زنانه نگریسته می شود و زن چهره ی مستقل خود را کمتر به نمایش می گذارد. تلاش برای کشف فردیت و هویت خود به عنوان یک زن، جای چشمگیری در ادبیات زنان در این دوره می یابد. ادبیاتی که از ذهنی زنانه به جهان می نگرد و با تاکید بر نقش زنان و درونیات آنها نوشته می شود تصویری متفاوت از تصویر زن در آثار نویسندگان مرد، ترسیم می کند. زنان که با سوال های تازه ای رویارو شده اند به مقابله با انزوای تاریخی پرداخته اند. نویسندگان زن را می توان زبان حال زنانی دانست که

مورد توجه بود و لی در دوره دوم و سال های پایانی خود انتقادات زیادی از سوی همان گروه های حامی به آن وارد شد.

برای بررسی شرایط این دوره ۸ ساله، ۵ رمان اجتماعی که در همین دوره برنده جایزه ی ادبی یلدا شده بودند انتخاب شده و باتوجه به مبانی ساختارگرایی تکوینی گلدمن مورد نقد و تحلیل جامعه شناختی قرار گرفتند. در بررسی رمان ها مشخص شد هر ۵ رمان به بازتاب زندگی و مسائل مربوط به طبقه متوسط جدید پرداخته بودند. در ۳ رمان شخصیت های اصلی دانشجویان و قشر روشنفکر جامعه بودند و در ۲ رمان نویسندگان زن از راوی یا شخصیت های اصلی زن در بیان مسائل مربوط به زنان استفاده کرده بودند. در هر ۵ رمان نگاه انتقادی نسبت به وضع شخصیت های اصلی و شرایط سیاسی و اجتماعی موجود دیده می شود. رمان ها بازتابی از شرایط زندگی طبقه متوسط جامعه و شخصیت های اصلی آنها زنان، دانشجویان و قشر روشنفکر هستند. این گروه ها به عنوان مخاطبین اصلی گفتمان اصلاحات در آن زمان مورد توجه برنامه ها و سیاست های دولت بودند. این مفاهیم با توجه به نیازها و خواسته های این طبقات در رمان های این دوره هم بازتاب داشته است. رمان های بررسی شده به طور عمده به بازتاب مسائل لایه های میانی جامعه و مشکلات طبقه متوسط متکی است و این مشکلات را در دو بعد اجتماعی و خانوادگی نشان می دهد و اگر هم اشاره ای به طبقات و اقشار جامعه خصوصا تهیدستان می شود، اغلب از منظر طبقه متوسط انجام می شود.

مطالب گفته شده رابطه ی انداموار متون ادبی در یک برهه تاریخی را با وضعیت فرهنگی و اجتماعی و سیاسی همان دوره نشان می دهد و ثابت می کند از

بازتاب تحولات اجتماعی این دوره در رمان های اجتماعی این دوره باید ساختار سیاسی و اجتماعی این دوره که تعیین کننده تحولات سیاسی و اجتماعی در جامعه و عامل تاثیرگذار بر گروه ها و طبقات مختلف جامعه در این دوره بودند مورد توجه قرار می گرفت. تحولاتی مثل تغییر در ترکیب جمعیتی کشور و افزایش بی سابقه نسل جوان، گسترش شهرنشینی و شهرگرایی، گسترش و ارتقاء کمی و کیفی فرهنگ و توسعه نهادهای آموزشی و دانشگاه ها و افزایش بی سابقه جمعیت دانشجویی کشور، تحولات ساختاری در نظام طبقات اجتماعی و اقتصادی، بروز تحولات گسترده تکنولوژیک و تحولات عمیق سیاسی و بین المللی، تحول در فرآیندهای ارتباطات و پایان جریان تک سویه اطلاع رسانی، ظهور نسل جدید نخبگان سیاسی و افزایش آگاهی های سیاسی و در نتیجه همه این تحولات دگرگونی در ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و طرح نظام های ارزشی جدید در این دوره از نکات قابل توجه است. همین امر مطالبات جدید را به ساختار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی تحمیل می کرد. گفتمان اصلاح طلبی در این شرایط و با توجه به این مطالبات جدید در عرصه ی سیاسی کشور حاضر شد و مفاهیمی مثل توجه به مردم و مردم سالاری دینی، اصلاحات، توسعه ی سیاسی، جامعه مدنی، تاکید بر اجماع و وفاق درباره قانون اساسی و آزادی را در راس برنامه های خود قرار داد. این برنامه ها معطوف به طبقه ی متوسط جدید شهری، روشنفکران و دانشگاهیان، زنان و جوانان بود و طیف وسیعی از حمایت تا انتقاد را در میان آنها پدید آورد. البته این گفتمان در تحقق اهداف موفقیت زیادی نداشت و در بعضی موارد دچار افراط و تفریط شد. به همین دلیل اگرچه در آغاز به خاطر مفاهیم جدید خود

- راه مطالعات ادبی می‌توان به چگونگی روابط اجتماعی و فرهنگی آن برهه تاریخی جامعه پی برد. رمان فارسی یا حداقل اکثر رمان‌های فارسی به نحوی توصیفی یا تحلیلی به مسائل اجتماعی می‌پردازند. این تعامل بین رمان فارسی و جامعه ایرانی همواره برقرار بوده است و شناخت آن می‌تواند محقق را در در شناخت بهتر تحولات فکری و ارزشی یک مقطع تاریخی یاری نماید.
- منابع:**
- ۱- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه ابراهیم گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
 - ۲- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۹). نقد و ارزیابی گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی مطرح در جمهوری اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - ۳- بروجردی، مهرزاد. (۱۳۷۷). روشنفکران ایرانی و غرب، تهران: انتشارات فرزاد.
 - ۴- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). دیپاچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره ی جمهوری اسلامی، تهران: موسسه نگاه معاصر.
 - ۵- پرستش، شهرام و فائزه ساسانی خواه، (۱۳۸۳)، «بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان ۱۳۷۵-۸۴»، پژوهش زنان، شماره ۴.
 - ۶- تسلیمی، علی. (۱۳۸۸). نظری‌های ادبی و کاربرد آنها در ادبیات فارسی، تهران: آمه.
 - ۷- دریفوس، هیوبرت و پل رایینو. (۱۳۷۹). فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
 - ۸- ربیعی، علی. (۱۳۸۰). جامعه شناسی تحولات
 - ارزشی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
 - ۹- طلوعی، وحید و محمد رضایی. (۱۳۸۶). «ضرورت کاربست ساختارگرایی تکوینی در جامعه شناسی ادبیات»، مجله ی جامعه شناسی ایران، دوره ی هشتم، شماره ۳.
 - ۱۰- عسگری حسنکلو، عسگر. (۱۳۸۷). نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تاکید بر ده رمان برگزیده، تهران: نشر و پژوهش دانش پژوهان.
 - ۱۱- عضدانلو، حمید، (۱۳۷۵)، «درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴.
 - ۱۲- غلام، محمد. (۱۳۸۳). «جامعه شناسی رمان معاصر فارسی»، مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۲، شماره ۴۵-۴۶.
 - ۱۳- فاضلی، محمد. (۱۳۸۳). «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴.
 - ۱۴- فاضلی، نعمت ا... (۱۳۷۴). «درآمدی بر جامعه شناسی هنر و ادبیات»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷ و ۸.
 - ۱۵- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۰). هشت مقاله در تاریخ و ادب معاصر، تهران: نشر مرکز.
 - ۱۶- کدیور، جمیله. (۱۳۷۸). «تحول در گفتمان سیاسی شیعه در ایران»، تهران: نشر نو.
 - ۱۷- گلدمن، لوسین. (۱۳۷۷). «جامعه شناسی ادبیات»، در درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
 - ۱۸- گلدمن، لوسین. (۱۳۶۹). نقد تکوینی، ترجمه محمد تقی غیائی، تهران: بزرگمهر.
 - ۱۹- گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱). جامعه شناسی

- ادبیات: دفاع از جامعه شناسی رمان، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: هوش و ابتکار.
- ۲۰- گودرزی، محمدرضا. (۱۳۸۶). بازتاب سیاست در ادبیات داستانی ایران از ۱۳۷۶ تا پایان آبان ماه ۱۳۸۳، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۲۱- گوردن، والتر کی. (۱۳۷۰). «درآمدی بر نقد ادبی از دیدگاه جامعه شناختی»، ترجمه جلال سخنور، ادبستان، شماره ۱۱، سال دوم.
- ۲۲- مسعودنیا، حسین. (۱۳۸۲). «چالش های تحزب و پیامدهای آن در ایران»، راهبرد، شماره ۲۹
- ۲۳- مسعودنیا، حسین. (۱۳۸۷). «تاریخ به مثابه گفتمان؛ بازکاوی رابطه گفتمان تاریخی و سیاسی در ایران معاصر»، فصلنامه رهیافت سیاسی و بین المللی، شماره ۱۳.
- ۲۴- مک دانل، دایان. (۱۳۷۷). «نقدی بر نظریه ی گفتمان»، ترجمه حسینعلی نوذری، گفتمان، سال اول، شماره ۲.
- ۲۵- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی، (۱۳۶۶)، ادبیات داستانی، قصه، داستان کوتاه، رمان، تهران: شفا.
- ۲۶- میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۶). رمان های معاصر فارسی، پیرنگ، شرح و تفسیر (کتاب چهارم)، تهران: نیلوفر.
- ۲۷- میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). صد سال داستان نویسی ایران، تهران، چشمه، جلد اول تا سوم، ویراست دوم.
- ۲۸- میلانی، عباس. (۱۳۷۷). «ایران شناسی در غرب: پیدایش رمان فارسی»، ایران شناسی، سال دهم، شماره ۴.
- ۲۹- میلانی، عباس. (۱۳۸۲). تجدد و تجددستیزی در ایران، تهران: نشر اختران، چاپ چهارم.
- ۳۰- والت، ماری جی. (۱۳۷۵). «چندگانگی قرائت رمان: سازمان تفسیر اجتماعی» ترجمه حسن چاوشیان، ارغنون، شماره ۹-۱۰.
- ۳۱- ولک، رنه و آوستن وارن. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۲- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۶۹). سامان سیاسی در جوامع دستخوش تغییر، ترجمه ی محسن ثلاثی: علم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی